



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 29. No 4. Winter 2023

Received date: 2023.04.14

Acceptance date: 2023.05.07



مرکز پژوهش‌های علمی و  
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: [www.cmess.sinaweb.net](http://www.cmess.sinaweb.net)

DOR: 20.1001.1.15601986.1401.29.4.14.6

---

## Prospects for Change and Continuity in Turkish Foreign Policy Following the June 2023 Elections

---

Vali Golmohammadi<sup>1</sup>



### Abstract

This writing seeks to outline key questions and trends in Turkish foreign policy, considering its domestic and international dynamisms. What is the appraisal of Erdogan's Turkiye of its national role and international status and in case of a change in government, what will be the outlook of Turkish foreign policy in the post-Erdogan period? There are some key statements concerning Turkish foreign policy-making: First, Turkiye's new strategic culture does not recognize a clear boundary between the friend and foe, as it constantly changes according to environmental dynamisms and domestic political debates. Second, war in Ukraine has made Turkiye's balancing policy face a serious challenge as it has raised ambiguity in anti-Westernism in Turkiye-Russia relations. Third, instead of being a reflection of a turn in Turkish regional policy, the process of normalization of relations with regional countries largely represents a resetting of foreign policy with Turkiye's domestic dynamisms and surrounding areas' geopolitical realities. If the opposition parties come to power, the new leaders will not retreat from Turkiye's spheres of influence in surrounding areas, but policies arising from Erdogan's personal and partisan preferences will undergo change among which reviving relations with the traditional Western allies will be given priority.

**Keywords:** June 2023 Elections, Change in Government, Balancing Policy, Active Regionalism, Turkish Foreign Policy.

---

<sup>1</sup> Professor of International Relations Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

مرکز پژوهش‌های علمی و  
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۲۹، شماره ۴، پیاپی (۱۱۰)، زمستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

Home page: [www.cmess.sinaweb.net](http://www.cmess.sinaweb.net)

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۱.۲۹.۴.۱۴۶

نوع مقاله: پژوهشی

## چشم‌انداز تغییر و تداوم در سیاست خارجی ترکیه بعد از انتخابات ژوئن ۲۰۲۳

ولی گل محمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

نوشتار حاضر با نگاهی به پویایی‌های داخلی و بین‌المللی به دنبال ترسیم چشم‌انداز کلیدی‌ترین مسائل و روندهای سیاست خارجی ترکیه است. ترکیه اردوغان چه برآوردی از نقش ملی و موقعیت بین‌المللی خود دارد و در صورت تغییر حکومت، چه دورنمایی در سیاست خارجی ترکیه پس‌اردوغان متصور است؟ تحلیل مهم‌ترین روندها و متغیرهای تأثیرگذار در شکل‌دهی به چشم‌انداز سیاست خارجی ترکیه چند گزاره کلیدی پیش‌روی ما می‌گذارد؛ نخست، فرهنگ راهبردی نوین ترکیه مرزبندی مشخصی بین دوست و دشمن ندارد و بر اساس پویایی‌های محیطی و مناظرات سیاست داخلی الگوی اتحاد و دوستی و دشمنی آن دائم در حال تغییر است. در دهه گذشته، تحول کلیدی تمرکز وافر بر امنیت ملی و تثبیت جایگاه ترکیه به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و مستقل از غرب بوده است که با لحنی قاطع در دیپلماسی و ابزارهای امنیتی-نظامی پیگیری شده است. دوم، جنگ در اکرین به‌طور فزاینده‌ای سیاست موازنه‌گری ترکیه را با چالش مواجه ساخته است؛ وضعیتی که ناگزیر عاملیت غرب‌ستیزی در روابط ترکیه-روسیه را با ابهامات کلیدی روبه‌رو کرده و دورنمای روابط آنکارا با روسیه و غرب را بازتنظیم می‌کند. سوم، روند عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه بیش از آنکه نمود یک چرخش در سیاست منطقه‌ای ترکیه باشد، ناظر بر بازتنظیم سیاست خارجی با پویایی‌های داخلی ترکیه و واقعیت‌های ژئوپلیتیکی مناطق پیرامونی است. در صورت به قدرت رسیدن احزاب مخالف، رهبران جدید از قلمرو نفوذ و منافع ترکیه در مناطق پیرامونی عقب‌نشینی نخواهند کرد، اما سیاست‌هایی که متأثر از ترجیحات شخصی و حزبی دولت اردوغان بوده متحول خواهد شد که احیای روابط با متحدان سنتی غربی در اولویت آن قرار دارد.

**واژگان کلیدی:** انتخابات ژوئن ۲۰۲۳، تغییر حکومت، سیاست موازنه‌گری، منطقه‌گرایی فعال، سیاست خارجی ترکیه.

همچون نظام بین‌الملل کنونی، ترکیه نیز کشوری در حال گذار است. پویایی‌های سیاست داخلی و بین‌المللی رهبران ترکیه را به بازاندیشی در نقش ملی و موقعیت بین‌المللی این کشور ترغیب کرده است. زمانی نه‌چندان دور ترکیه با معرفی خود به‌عنوان یک دولت تجاری و مدل توسعه اسلامی به دنبال پیوستن به گروه بریکس، عضویت در اتحادیه اروپا و بر عهده گرفتن نقشی فعال در محیط پیرامونی خود بر اساس منابع قدرت-نرم بود. نقشی که در سایه دستاوردهای اقتصادی و سیاسی تحسین دوستان و دشمنان ترکیه را در سراسر دنیا برانگیخته بود. با وجود این، در دهه گذشته بستریهایی که به ظهور قدرت نرم-محور ترکیه شکل می‌داد به‌کل متحول شده است. گویی ترکیه‌ای نوین با قرائتی جدید از سیاست و حکومت در حال تولد است. به موازات تحول در پویایی‌های سیاست داخلی و شرایط محیطی، نگرش راهبردی و جهت‌گیری‌های بین‌المللی سیاست خارجی ترکیه در حال تغییر است. این تغییر با تحول در فرهنگ استراتژیک و دکترین امنیت ملی ترکیه ناظر بر پیگیری رویکردهای مستقل از متحدان غربی در سیاست بین‌الملل و منطقه‌گرایی فعال در محیط پیرامونی این کشور است تا با تثبیت جایگاه خود به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای موقعیت بین‌المللی خود را ارتقاء دهد. در چنین متنی، رهبران ترکیه حساب ویژه‌ای بر روی توانمندی‌های نظامی و ابزارهای عملیاتی در کنشگری فعال منطقه‌ای خود باز کرده‌اند (Erşen, & Köstem, 2019). در این میان، لزوم کسب استقلال راهبردی و اتکا به منابع قدرت سخت برای تأمین منافع پویای خود و همچنین منطقه‌گرایی فعال از روندها و پیشران‌های کلیدی سیاست خارجی معاصر ترکیه است.

در شرایط نوین بین‌المللی ترکیه همزمان دو برآورد از نتایج سیاست خارجی فعال خود دارد. نخست اینکه بحران‌های چندگانه در اتحاد فرآتلانتیکی و تضعیف قابلیت‌های کنشگری قدرت‌های غربی در مناطق مجاور ترکیه از بالکان گرفته تا خاورمیانه مانع از مداخله مستقیم و تأثیرگذار آن‌ها برای نظم‌سازی و تعیین قواعد بازی در محیط پیرامونی ترکیه می‌شود. از این رو، ترک‌ها با حضور فعال در معادلات در تغییر منطقه‌ای برای پر کردن خلاء قدرت و نفوذ و همچنین بازنمایی از نقش خود به‌عنوان یک قدرت تأمین‌گر امنیت و ثبات منطقه‌ای معتقد هستند که غرب دیر یا زود نقشی راهبردی در سیاست خاورمیانه‌ای خود به ترکیه می‌سپارد. دوم، ترکیه به هر میزان که در معادلات مناطق پیرامونی خود از لیبی و شرق مدیترانه گرفته تا سوریه و قفقاز جنوبی درگیر می‌شود و متعاقباً در میز مذاکرات حل و فصل مناقشات می‌نشیند، ابزارهای چانه‌زنی سیاسی و اهرم‌های فشار آنکارا در تعامل با متحدان غربی تقویت می‌شود. به این معنا که بخشی از منطقه‌گرایی فعال ترکیه در محیط پیرامونی با هدف ایجاد تغییر در رویکردهای سنتی متحدان غربی در قبال ترکیه، بازیابی جایگاه سنتی خود در ساختار راهبردی اتحاد فرآتلانتیکی و به رسمیت شناختن منافع و دغدغه‌های امنیت ملی این کشور دنبال می‌شود (گل-محمدی، ۱۴۰۰). در عین حال ترکیه از پیامدهای گذار در نظام بین‌الملل و نقش فزاینده قدرت‌ها و نهادهای شرقی در ساختار حکمرانی جهانی برآورد همزمان فرصت و تهدید دارد. در چنین شرایطی که شاهد جابه‌جایی قدرت و ثروت جهانی از غرب به شرق و افزایش نقش قدرت‌های شرقی همچون چین و روسیه در تعیین دستورکارهای بین‌المللی هستیم، رهبران ترکیه با نزدیکی راهبردی به قدرت‌ها و نهادهای شرقی به دنبال ایجاد هم‌سرنوشتی با زنجیره‌های جهانی ارزش شرق-محور هستند تا در یک جهان پساآمریکایی از دستاوردهای آن بهره‌مند شوند.

نوشتار حاضر با نگاهی به مهم‌ترین پیشران‌های داخلی و بین‌المللی سعی در تحلیل کلیدی‌ترین مسائل و روندهای سیاست خارجی ترکیه دارد تا چشم‌اندازی از جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی این کشور در آینده قابل پیش‌بینی ترسیم کند.

## انتخابات ژوئن ۲۰۲۳ نقطه عطفی در تاریخ معاصر ترکیه؟

در آستانه انتخابات سراسری ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۲، صحنه سیاست داخلی ترکیه هر روز شلوغ‌تر و متلاطم‌تر می‌شود. در دو دهه گذشته (دوره زمامداری حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان)، رهبران احزاب اپوزیسیون تا این اندازه شرایط را برای سیاست‌ورزی و تحول‌خواهی مهیا نیافته بودند. بیم و امید شهروندان ترک از سرنوشت کشورشان شدت گرفته؛ گروهی امیدوار به آینده؛ گروهی سرخورده و مأیوس؛ و گروهی دیگر بلا تکلیف در تصور از آینده نامعلوم. وضعیتی که یادآور شرایط قبل از انتخابات سراسری ۲۰۰۲ ترکیه است. در حالی که اغلب ناظران غربی و کشورهای منطقه به سناریوی ترکیه بدون اردوغان فکر هم نمی‌کنند، شهروندان ترک مناظرات گسترده‌ای حول محور این نگرانی دارند که اگر اردوغان انتخابات را ببازد و از تسلیم قدرت سر باز زند چه می‌شود! اجماع قابل توجهی میان شهروندان، سیاسیون و کارشناسان وجود دارد که انتخابات ژوئن ۲۰۲۳ نقطه عطفی در تاریخ معاصر سیاست و حکومت در ترکیه خواهد بود.

ارزیابی‌ها از رقابت‌های انتخاباتی نشان می‌دهد که مهم‌ترین رقیب اردوغان در این انتخابات سرنوشت‌ساز بحران اقتصادی ترکیه است. اقتصاد ترکیه با تورم ۸۲ درصدی، نرخ بیکاری دو رقمی، و بدهی خارجی ۴۷۸ میلیارد دلار بحران شدیدی را تجربه می‌کند. تنها در یک سال گذشته لیر ترکیه حدود ۵۶ درصد از ارزش خود را در برابر دلار آمریکا از دست داده است (Alderman, 2023). نکته کلان انتخابات پیش‌رو احتمال تعیین‌کنندگی آرای مردم یا به اصطلاح قشر خاکستری است که به شدت محافظه‌کار شده‌اند. شهروندان ترکیه با توجه به روندهای کنونی جهانی، از جنگ اوکراین گرفته تا افزایش بهای انرژی، به شدت محتاط شده‌اند و معتقد هستند ترکیه آمادگی یک تغییر بزرگ را ندارد. آن‌ها همچنین از کارآمدی احزاب اپوزیسیون در مواجهه با بحران‌های عدیده اقتصادی و سیاسی مطمئن نیستند و برنامه‌های دولت اردوغان را به مراتب باورپذیرتر می‌دانند. با وجود این، تاریخ تغییر رژیم‌های سیاسی و دولت‌ها در ترکیه همواره متأثر از بحران‌های طبیعی و انسانی (زلزله و بحران اقتصادی) بوده است؛ وضعیتی که دورنمای مبهمی از تداوم اقتدار و حکومت اردوغان را پیش‌روی ما می‌گذارد.

زمین‌لرزه‌ای که در ۶ فوریه ۲۰۲۳ ده استان جنوبی ترکیه را لرزاند، احتمالاً به‌عنوان بدترین فاجعه طبیعی و انسانی در تاریخ معاصر این کشور به یادگار خواهد ماند. این زلزله علاوه بر خرابی‌های گسترده، بیش از ۵۰ هزار نفر تلفات جانی، بیش از ۱۵۰ هزار نفر مجروح داشته و میلیون‌ها نفر را بی‌خانمان کرده است. هم‌اکنون مهم‌ترین اولویت و چالش دولت اردوغان سامان‌دهی بیش از ۱۵ میلیون نفر از زلزله‌زدگان ده استان جنوبی این کشور است. بیش از ۱۵ درصد از جمعیت ۸۵ میلیون نفری ترکیه در مناطق زلزله‌زده زندگی می‌کنند، تقریباً ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۹ درصد از صادرات ترکیه در این مناطق تولید می‌شد. میان افکار عمومی و احزاب اپوزیسیون این نگرانی تشدید شده است که با خارج شدن شهروندان ترکیه از مناطق زلزله‌زده، امکان افزایش پناهجویان در این مناطق به‌طور فزاینده‌ای بالا رفته است. احزاب مخالف تلاش می‌کنند تا از این بحران با برجسته کردن خطر برهم خوردن ترکیب جمعیتی در استان‌های جنوبی زلزله‌زده در قالب گفتمان امنیت ملی علیه دولت اردوغان بهره‌برداری کنند.

انتظار می‌رود بازسازی مناطق زلزله‌زده ۵۰ میلیارد دلار هزینه داشته باشد؛ اگرچه کنفدراسیون شرکت‌ها و تجار ترکیه مجموع آن را ۸۵ میلیارد دلار تخمین زده است. ۱۰ استان زلزله‌زده، حدود ۹٫۳ درصد از تولید ناخالص داخلی ترکیه، ۸٫۵ درصد از صادرات، ۵ درصد از کل درآمدهای مالیاتی دولت و ۱۱٫۱ درصد از نیروی کار فعال ترکیه را تأمین می‌کنند. سه استانی که بیشترین خسارات را متحمل شده‌اند (هاتای، قهرمان مرعش و آدی‌یامان)، تنها ۲٫۶ درصد از تولید ناخالص داخلی، ۲٫۲ از صادرات و ۲٫۳ درصد از درآمد مالیاتی دولت را تأمین می‌کردند. برآورد می‌شود تأثیر زلزله بر تورم حداقل حدود ۴ درصد

باشد و از ۴۳ به ۴۷ درصد در سال ۲۰۲۳، با توجه به افزایش قیمت مواد غذایی و سایر محرک‌های مالی، افزایش یابد. همچنین انتظار می‌رود کسری بودجه دولت از ۳,۵ درصد به ۵,۵ درصد افزایش یابد (Malsin, 2023). هرچند فرصت بی‌سابقه‌ای برای کمپین‌های ضد اردوغانی احزاب اپوزیسیون فراهم شده است، اما واقعیت این است که اردوغان خود ترک‌تاز بازی در بحران‌ها است و از ابزارهای حاکمیتی و مدنی متعددی در تبدیل بحران به فرصت برای بالا بردن شانس مجدد ریاست‌جمهوری برخوردار است. به‌رغم افزایش انتقادات از عملکرد ضعیف دولت اردوغان در مواجهه با خرابی‌های زلزله، اما قاطبه شهروندان ترکیه این فاجعه را به‌کل تقصیر اردوغان نمی‌دانند و با توجه به فراگیر بودن شدت و عدت خرابی‌های زلزله معتقد هستند هر دولتی در اروپا هم بود احتمالاً با چنین چالش‌هایی مواجه می‌شد. با وجود این، به منظور ارائه تحلیلی جامع و در نظر گرفتن آینده‌های بدیل، نگاه به مؤلفه‌های تغییر و تداوم در سیاست خارجی ترکیه پس‌اردوغان ضروری است.

### مسائل و روندهای کلیدی سیاست خارجی ترکیه

#### - چالش موازنه‌گری بین غرب و روسیه

بعد از جنگ روسیه و اوکراین (۲۰۲۲) مشخصه‌های سیاست خارجی و امنیتی ترکیه در مقایسه با دوره‌های گذشته هم تغییر و هم تداوم داشته است. در یک نگاه کلان، تحول مهم سیاست خارجی ترکیه در دهه گذشته، تمرکز وافر بر امنیت ملی و تثبیت جایگاه ترکیه به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای بوده است که با لحنی قاطع در دیپلماسی و ابزارهای امنیتی-نظامی پیگیری شده است. در چارچوب مصلحت‌گرایی سیاست خارجی اردوغان، رفتار و ترجیحات ترکیه بیشتر مسئله‌محور، و مبتنی بر یک ذهنیت منافع‌محور بوده است تا انگیزه‌های قوی هنجاری و ارزشی. اتحادسازی‌های منعطف و پویا که از روندهای نوپدید در سیاست خارجی ترکیه است بیش از اینکه ناظر بر یک چرخش محوری در جهت‌گیری‌های کلان ترکیه و خروج از اتحاد فرآتلانتیکی باشد، در راستای هدف اردوغان برای تأمین استقلال راهبردی است. نزدیکی راهبردی به روسیه و سایر قدرت‌های غیرغربی و در عین حال سردی در روابط ترکیه با متحدان غربی از نتایج همین هدف دستیابی به استقلال استراتژیک و ارائه تصویری جدید از ترکیه به‌عنوان یک قدرت مستقل تأثیرگذار در نظام در حال تغییر بین‌المللی است. پر واضح است که این ضرورتاً به معنای خروج از جامعه یوروآتلانتیکی نیست.

فرهنگ راهبردی نوین ترکیه مرزبندی مشخصی بین دوست و دشمن ندارد و بر اساس پویای محیطی و مناظرات سیاست داخلی الگوی اتحاد و دوستی و دشمنی آن دائم در حال تغییر است. هدف مشخص اما ابزارها در حال تغییر هستند که ائتلاف‌های سیال بخشی از ابزارهای ترکیه برای حصول دستاوردهای سیاسی در کسب موقعیت برتر منطقه‌ای و ارتقای جایگاه بین‌المللی این کشور است. در چنین متنی، رهبران ترکیه حساب ویژه‌ای بر روی توانمندی‌های نظامی و ابزارهای عملیاتی در کنشگری فعال منطقه‌ای خود باز کرده‌اند. تلاش دولت اردوغان برای کنشگری فعال و مستقل از غرب در معادلات بین‌المللی لاجرم «کنش موازنه‌گرایانه» را در محوریت رفتار سیاست خارجی آنکارا قرار داده است که ضرورتاً مبتنی بر تقابل‌گرایی با غرب و همگرایی راهبردی با روسیه قلمداد نمی‌شود. هرچند ترکیه و روسیه منافع مشترکی در تقابل با غرب دارند، اما واقعیت این است که ماهیت، ریشه‌ها و کنش سیاسی ضدغرب‌گرایانه دو کشور متفاوت است. محیط شناختی و عملیاتی همکاری ترکیه با روسیه و مناقشات مقطعی آن با متحدان غربی بیشتر مبتنی بر قرائت ترک‌ها از الزامات جهان در حال ظهور است که بیشتر چندقطبی و کمتر غرب‌محور است. در چنین بستری، انتخاب راهبردی ترکیه «موازنه‌گری» در روابط با قدرت‌های بزرگ غربی و شرقی است.

جنگ در اوکراین به‌طور فزاینده‌ای «سیاست موازنه‌گری» ترکیه را با چالش‌های مهمی مواجه ساخته است؛ وضعیتی که ناگزیر عاملیت «غرب‌ستیزی» آذر روابط ترکیه-روسیه را با ابهامات کلیدی روبه‌رو ساخته و دورنمای روابط آنکارا با روسیه و غرب را بازتنظیم می‌کند. آنچه قطعیت دارد این است که جنگ اوکراین پویایی‌های جدیدی را در مثلث روابط ترکیه-غرب-روسیه وارد کرده است. دینامیزم‌هایی که با شناسایی صریح روسیه به‌عنوان یک دشمن از سوی ناتو، سیاست موازنه-گری آنکارا را با محدودیت‌های عدیده‌ای مواجه کرده است. به گونه‌ای که هزینه‌ها و عدم قطعیت‌های چنین سیاستی افزایش یافته و در عین حال ترکیه را در تنگنای جبهه‌بندی قرار داده است. در حال حاضر، ترکیه تلاش می‌کند تا از طریق میانجیگری بین اوکراین و روسیه موازنه‌گرایی خود را حفظ کند اما فضای چنین کنشی مهیا نیست، همچنان که روسیه از امیال نظامی خود عقب‌نشینی نکرده است. هرچه روسیه از طریق ابزارهای نظامی به توسعه‌طلبی سرزمینی خود در اوکراین ادامه دهد و متعاقباً ناتو اقدامات بازدارنده‌ای اتخاذ کند، آنکارا به مراتب در شرایط سخت‌تری قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، ترکیه از ظرفیت تخصصی و بازدارندگی کارآمد علیه روسیه برخوردار نیست.

هیچ عضوی از ناتو اندازه ترکیه به لحاظ ژئوپلیتیکی و اقتصادی به روسیه متصل نیست. هرگونه مناقشه در روابط روسیه و ترکیه با توجه به حاکم بودن یک وضعیت وابستگی متقابل نامتقارن علیه ترکیه، هزینه‌های اقتصادی و امنیتی بالایی برای ترک‌ها در بر خواهد داشت. روسیه با ۲۰ میلیارد دلار حجم تجارت دوجانبه، سومین شریک تجاری ترکیه است که حدود ۷۰ درصد از آن را صادرات روسیه تشکیل می‌دهد. روسیه همچنین بزرگترین تأمین‌کننده غلات و گاز طبیعی (حدود ۴۰ درصد از نیازهای گازی توسط روسیه تأمین می‌شود) ترکیه است و دو کشور اتصالات راهبردی متعددی در خطوط انتقال انرژی به بازارهای اروپا دارند. فقط در سال ۲۰۲۱، ترکیه میزبان بیش از ۶ میلیون گردشگر روسی بوده است که بالغ بر ۱۹ درصد از حجم کل درآمدهای توریستی ترکیه است. صنعت مواد غذایی ترکیه که یکی از صنایع پیشرو صادراتی این کشور است، حدود ۸۰ درصد از غلات خود را از روسیه و اوکراین تأمین می‌کند. ترکیه همچنین یکی از مقاصد اصلی فرار سرمایه‌های روسی در نتیجه جنگ بوده است. به لحاظ ژئوپلیتیکی، روسیه بدون اینکه ناتو را تحریک کند، می‌تواند هزینه‌های امنیتی قابل توجهی علیه ترکیه در معادلات سوریه، لیبی و قره‌باغ تحمیل کند. به نظر می‌رسد که شدت و مدت حملات نظامی روسیه در اوکراین و همچنین گستره و ماهیت واکنش‌های ناتو به ماجراجویی‌های نظامی روسیه، در ماه‌های آتی نقش مهمی در بازتنظیم سیاست موازنه‌گرایی ترکیه خواهد داشت.

از سوی دیگر، هرچند غرب‌ستیزی بسترهای توسعه همکاری‌های روسیه و ترکیه را تسهیل کرده، اما توسعه‌طلبی ژئوپلیتیکی روسیه در محیط همسایگی شمالی ترکیه به‌طور اجتناب‌ناپذیری آنکارا را دوباره به غرب نزدیک کرده است. از نگاه آنکارا، توسعه‌طلبی نظامی روسیه در اوکراین و تحرکات پیشین آن از جمله الحاق کریمه و جنگ در گرجستان به منظور الحاق آبخازیا و اوستیا، هرچه بیشتر موازنه قوا در دریای سیاه را به نفع مسکو تغییر داده است. به منظور تقابل با سلطه‌گرایی روسیه در مناطق پسا شوروی که محیط فوری همسایگی ترکیه محسوب می‌شود، آنکارا ناچار به سوی ظرفیت‌های بازدارنده ناتو و متحدان غربی متمایل می‌شود. بر خلاف شرق مدیترانه و شمال آفریقا، ترکیه تضاد منافع معناداری با متحدان غربی خود در مناطق دریای سیاه، بالکان، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی ندارد. از این رو، تداوم توسعه‌طلبی نظامی روسیه در اوکراین می‌تواند ترکیه و قدرت‌های غربی را به یکدیگر نزدیک سازد.

اما سوال کلیدی برای ترکیه اردوغان این است که با کدام غرب می‌خواهد هم‌صدا و هم‌گرا شود؟ پر واضح است که فراتر از غرب فرهنگی و غرب به‌مثابه مدلی برای تحولات سیاست داخلی ترکیه، آنچه مدنظر اردوغان است، غرب ژئوپلیتیکی

۱ Balancing Act

۲ Anti-Westernism

است. در این دیدگاه، غرب به‌مثابه یک لنگرگاه و جبهه ژئوپلیتیکی برای مواجهه با تهدیدات خارجی ترکیه به‌ویژه از ناحیه روسیه قلمداد می‌شود؛ همان‌گویی که در دوران جنگ سرد و تهدید کمونیسم شوروی تصویرپردازی می‌شد. این تصویر عمدتاً به این معناست که ترکیه در وضعیت «تنگنای امنیتی»<sup>۱</sup> تا حد زیادی روابط خود با قدرت‌های بزرگ غیرغربی را از طریق هویت ژئوپلیتیکی غربی یا هویت ژئوپلیتیکی ناتوی خود تنظیم می‌کند. در سال‌های گذشته به‌ویژه قبل از حمله روسیه به اوکراین، ترکیه ضرورتی در تعریف غرب به‌مثابه لنگرگاه ژئوپلیتیکی مقابله با تهدیدات خارجی احساس نمی‌کرد و حتی گام‌های جسورانه‌ای در توسعه مناسبات تسلیحاتی با روسیه (اس-۴۰۰) برداشته بود. اما عدم قطعیت‌های ناشی از تجدیدنظرطلبی ژئوپلیتیکی روسیه ناگزیر موجب بازتعریف متحدان غربی در دکترین دفاعی ترکیه شده است. اکنون آنکارا به هزینه‌های مراودات امنیتی و دفاعی خود با روسیه توجه بیشتری دارد.

### - نظامی شدن ابزارهای منطقه‌گرایی فعال

برآورد راهبردی رهبران ترکیه از شرایط نوین بین‌المللی و منطقه‌ای همزمان متأثر از برداشت تهدید و فرصت است. بر اساس برآوردهای آنکارا، توان غرب در تأثیرگذاری بر معادلات پیرامونی ترکیه فرسایش یافته است، اعراب درگیر بحران‌های داخلی هستند و ایران زیر فشارهای بین‌المللی از قلمرو نفوذ خود عقب‌نشینی می‌کند. چنین برآوردی به‌شدت ترک‌ها را برای منطقه‌گرایی مداخله‌گرایانه از طریق ابزارهای نظامی ترغیب کرده است. از بحران لیبی در شمال آفریقا گرفته تا جنگ سوریه در شرق مدیترانه و شمال عراق در مرزهای شامات، از خلیج فارس گرفته تا غرب آفریقا و جنوب قفقاز و بالکان و افغانستان؛ ترکیه حضور نظامی دارد و ردپای آن در اغلب مناقشات منطقه‌ای قابل مشاهده است. به تعبیر اردوغان «اگر ترکیه به دنبال تبدیل شدن به دولت و قدرتی بزرگ است باید به نقاط مختلف دنیا دسترسی بی‌واسطه داشته باشد» (Erdogan, 2016). در چنین بستری رفتارها و ابزارهای سیاست خارجی ترکیه نیز به‌شدت نظامی شده است.

بر اساس رده‌بندی ۲۰۲۲ قدرت‌های نظامی «گلوبال فایرپاور»، ترکیه به جایگاه دهم ارتش‌های قدرتمند جهان ارتقاء یافته است (Global Firepower, 2022). توسعه قدرت نظامی ترکیه پیامدهای مثبتی در حوزه صنعت دفاعی این کشور داشته است؛ از سال ۲۰۱۱، ۵۴ درصد از نیازهای دفاعی ترکیه از طریق منابع و تولیدات داخلی تأمین می‌شود که این رقم در سال ۲۰۱۸ به ۷۴ درصد رسیده است و ترکیه تنها ۲۶ درصد از تسلیحات خود را خریداری می‌کند. طی چهار سال گذشته این کشور ۳۵ میلیارد دلار در صنعت دفاعی سرمایه‌گذاری کرده است. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸، صادرات تسلیحات ترکیه از ۲۴۷ میلیون دلار به حدود ۲ میلیارد دلار افزایش داشته و در سال ۲۰۲۲ به رقمی بالغ بر ۴٫۳ میلیارد دلار رسیده است. برنامه توسعه صنایع دفاعی و مدرن‌سازی تسلیحات نظامی به‌طور ناگزیری مخارج نظامی ترکیه را افزایش داده است. بر اساس داده‌های موسسه سیپری، مخارج نظامی ترکیه از ۱۳٫۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به ۱۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ افزایش پیدا کرده که از میانگین مخارج نظامی کشورهای اروپایی (۸-۹ میلیارد دلار) بالا است. تنها در سال ۲۰۱۸ هزینه‌های نظامی ترکیه ۲۴ درصد بالا رفته است یعنی بالاترین افزایش درصدی در میان ۱۵ کشور عمده جهان از نظر بودجه نظامی (SIPRI, 2020). بخش مهم این هزینه‌ها صرف بومی‌سازی صنایع دفاعی و توسعه پایگاه‌های نظامی در سراسر منطقه شده است.

نظامی شدن ابزارهای سیاست خارجی متأثر از این ذهنیت جدید ترک‌هاست که اگر دنبال دستاورد سیاسی و قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی هستند باید حضور میدانی و نظامی داشته باشند. در این چارچوب، ترک‌ها سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در صنایع دفاعی و نظامی انجام داده‌اند؛ بودجه نظامی ترکیه به ۲۱ میلیارد دلار رسیده، صادرات تسلیحاتی آن سال گذشته ۳۶ درصد افزایش داشته، حدود ۵ شرکت ترکیه وارد فهرست بزرگترین کمپانی‌های صنایع دفاعی جهان شده، بیش از ۷۰ درصد از

نیازهای تسلیحاتی را بومی‌سازی کرده‌اند و در رتبه‌بندی قدرت‌های نظامی جهان به جرگه ده قدرت برتر جهانی پیوسته است (SIPRI, 2022). در همین راستا، صنایع پهبادی ترکیه به یک نماد قدرت ملی پیشرو در سیاست خارجی ترکیه تبدیل شده است که هم اکنون به بیش از ۸ کشور صادرات دارند. روند نظامی‌شدن سیاست خارجی ترکیه از سوی دیگر متأثر از برداشت تهدید از امنیتی‌شدن محیط راهبردی مناطق پیرامونی ترکیه است که دشمنان آن در حال افزایش و متحدان غربی‌اش نیز آن را در چنین شرایطی تنها گذاشته‌اند. امنیتی‌شدن رفتار سیاست خارجی و نظامی‌گری بی‌سابقه در ورای مرزهای ملی ارتباط مستقیمی با رشد اقتدارگرایی دولت حاکم در داخل دارد. در چنین متنی، مهم‌ترین تحول در سیاست خارجی ترکیه ناظر بر تحول در ماهیت روابط آن با غرب، تشدید اختلافات آن با متحدان غربی و نزدیکی راهبردی ترکیه به قدرت‌ها و نهادهای نوظهور شرقی است.

برآمدن استراتژیک ترکیه نیاز به یک فضای حیاتی برای کنشگری فعال ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی دارد. ترکیه در سال‌های گذشته احساس خفگی ژئوپلیتیکی و انزوا در مناطق نفوذ راهبردی خود می‌کند. مداخله در لیبی و دکترین دریایی وطن آبی در شرق مدیترانه، مداخله نظامی در بحران قره‌باغ در قفقاز جنوبی در راستای همین ذهنیت خفگی ژئوپلیتیکی است. به هر میزان که ترکیه قدرت و نفوذ گرفته است، از ظرفیت‌های حل مسئله و گفتگوی منطقه‌ای آن کم شده است. به هر میزان که ترکیه تهاجمی‌تر برخورد کرده و ابزارهای نظامی و امنیتی را در اولویت کنشگری خود قرار داده، کشورهای دیگر به‌ویژه اعراب و همسایگان مدیترانه‌ای در مقابل آن جبهه گرفته‌اند. با وجود این، در سطح راهبردی، حرکت ترتیبات ژئوپلیتیکی و نظم منطقه‌ای به سمت یک فضای چندقطبی قدرت و ایدئولوژی با حضور فعال ترکیه به‌عنوان یک بلوک جدید قدرت و ایدئولوژی و اختلافات فزاینده آن با قدرت‌های عرب سنی (ائتلاف سعودی) همسو با منافع راهبردی ایران و جبهه مقاومت است. اساساً برآمدن استراتژیک ترکیه پیامد غیرمستقیمی در تقلیل فشارهای منطقه‌ای علیه ایران ایجاد کرده است؛ این فرصت بخشی از هزینه‌های موازنه‌سازی ایران در منطقه به‌ویژه در مقابل اعراب، اسرائیل و آمریکا را به ترکیه احاله داده است.

#### - دورنمای مبهم شراکت راهبردی با اتحاد فرآتلانتیکی

در یک نگاه تاریخی، عضویت ترکیه در ناتو مهم‌ترین پیوند راهبردی آن با جهان غرب است (Ersen and Kostem, 2019). شواهد نشان می‌دهد که دولت اردوغان منافع متعددی در نزدیکی راهبردی به روسیه پوتین دارد اما هرگز به دنبال جایگزین کردن ناتو با روسیه نیست. توسعه روابط دوجانبه ترکیه و روسیه عمدتاً مبتنی بر منافع مشترک در حوزه‌های محدود سیاسی و روابط شخصی دوستانه بین اردوغان و پوتین بوده است (Ersen, 2019: 74). یعنی این نزدیکی راهبردی بر اساس یک تفکر ساختاری و عمیق نهادی بین دو دولت-ملت نبوده است. اساساً ترکیه با توسعه همکاری‌های امنیتی با روسیه به دنبال افزایش قدرت چانه‌زنی خود در برابر متحدان غربی است تا دغدغه‌های امنیتی و منافع ملی این کشور را به رسمیت بشناسند. این استراتژی تا حدودی موفق بوده است همچنان که ایالات‌متحده از سیاست‌های امنیتی خود در تسلیح و حمایت از کردهای سوریه (ی.پ.گ) عقب‌نشینی کرده است.

علاوه بر این، هیچ پایگاه اجتماعی ذی‌نفعی که در دو کشور تأثیرگذار باشد وجود ندارد. ترکیه و روسیه در تایخ معاصر خود بیش از اینکه متحد باشند، رقیب و دشمن یکدیگر بوده‌اند. مردمان دو کشور حافظه تاریخی به‌شدت منفی و خصمانه از یکدیگر دارند. ترک‌ها، روس‌ها را در فروپاشی امپراطوری عثمانی می‌دانند (Haugom, 2019: 218). دو کشور همچنین منافع امنیتی و اگرایی در عصر حاضر دارند. به‌رغم همکاری‌های تاکتیکی در بحران سوریه، ترکیه ترجیحات امنیتی و منافع راهبردی متعارضی در رابطه با آینده نظام سیاسی سوریه دارد. در سایر مناطق مثل دریای سیاه، شرق مدیترانه، شمال آفریقا و قفقاز، دو کشور در جبهه مخالف یکدیگر ایستاده‌اند -از مناقشه ناگورنو-قره‌باغ و چچن گرفته تا گرجستان، کریمه،



اوکراین و معادلات شرق مدیترانه و بحران لیبی. آنکارا همچنین به‌طور فزاینده‌ای نگران حضور نظامی بلندمدت روسیه در محیط همسایگی خود به‌ویژه پایگاه‌های نظامی آن در سوریه و دریای سیاه است.

در رابطه با ناتو، هرچند نقش امنیتی ترکیه در دهه گذشته به‌شدت سیاسی شده و آنکارا حضور عملیاتی کم‌رنگی در اقدامات نظامی ناتو داشته است، اما رهبران ترکیه بارها به پابندی آنکارا به تعهدات سازمانی خود و نقش ویژه ناتو در تأمین امنیت ملی ترکیه تأکید کرده‌اند (Tanrısever, 2018). ترکیه حداقل سه انگیزه قوی در تداوم حضور خود در ناتو دارد. انگیزه نخست به پرستیژ ملی و آمال تاریخی ترکیه بر می‌گردد. از طریق ناتو، ترکیه عضوی از جامعه ترانس‌آتلانتیک یا به‌عبارتی غرب محسوب می‌شود. در تاریخ مدرن جمهوری ترکیه، مدرنیزاسیون و صنعتی شدن در چارچوب تجربیات غرب، همواره از آمال کلیدی ترک‌ها بوده است که با خروج از ناتو -مهم‌ترین پیوند ساختاری ترکیه با غرب- این هدف تاریخی متزلزل می‌شود. پیوندهای ساختاری ترکیه با غرب که در ۶۵ سال گذشته ساخته و پرداخته شده، به اندازه‌ای عمیق و نهادمند است که به راحتی با لحن ضدغربی اردوغان دچار گسست نشود. دوم، انگیزه دوم ناظر بر اعتبار بین‌المللی و نفوذی است که ترکیه به واسطه عضویت در ناتو در سیاست بین‌الملل به دست می‌آورد. ناتو تنها سازمان بین‌المللی است که به ترکیه اجازه می‌دهد حق وتو و صدای همترازی با شرکای اروپایی و آمریکا داشته باشد. این جایگاه ویژه‌ای است که ترکیه به راحتی به آن پشت‌پا نمی‌زند و جایگزینی هم برای اعتبار بین‌المللی آن متصور نیست. نمونه چنین اهمی را در موضوع عضویت سوئد و فنلاند در ناتو بعد از جنگ اوکراین مشاهده کردیم. سوم، صرف عضویت آنکارا در ناتو خود برای امنیت ملی ترکیه ضمانت امنیتی ایجاد می‌کند و رقبا و دشمنان آن بدون تردید در نحوه برخورد و تعامل با این کشور چنین متغیری را وارد محاسبات راهبردی خود می‌کنند.

اساساً نگرش‌های راهبردی سیاست خارجی اردوغان دارای عناصر قوی از «به رسمیت شناختن خود»<sup>۱</sup> و «تعیین سرنوشت خود»<sup>۲</sup> است. چنین نگرشی بدون تردید ترکیه را به یک شریک چالشگر و دردسرساز برای ناتو و یک شریک ناتمام برای قدرت‌های غیرغربی تبدیل می‌کند، اما نمود یک تغییر بنیادین و چرخش از غرب در سیاست خارجی ترکیه نیست. شراکت راهبردی با روسیه و سایر قدرت‌های غیرغربی و در عین حال سردی در روابط ترکیه با متحدان غربی از نتایج هدف دستیابی به استقلال استراتژیک و ارائه تصویری جدید از ترکیه به‌عنوان یک قدرت مستقل تأثیرگذار در نظام در حال تغییر بین‌المللی است. در این میان، جنگ اوکراین به‌طور فزاینده‌ای موقعیت ژئواستراتژیکی ترکیه برای ناتو را بازیابی کرده است و اهرم‌های به مراتب قوی‌تری در اختیار ترکیه گذاشته است تا سطحی از موازنه منافع در تداوم روابط خود با ناتو را حفظ کند.

با این وجود، بحران در روابط آنکارا و اتحاد فرآتلانتیکی یک روند کلیدی در سیاست خارجی ترکیه است. تحولات دهه گذشته ناظر بر تشدید روند احساسات ضدغربی در سیاست و جامعه ترکیه است (Kadir Has, 2019). بخشی از آن متأثر از سیاست‌های دگرسازی دولت حاکم برای تحکیم قدرت داخلی و امنیتی کردن تحرکات مخالفان بوده و بخشی دیگر متأثر از رویکردهای خصمانه قدرت‌های غربی علیه امنیت ملی و امنیت رژیم سیاسی دولت اردوغان بوده است. اساساً دهه گذشته ناظر بر شخصی‌شدن تصمیم‌گیری و جهان‌بینی سیاست خارجی ترکیه تحت اقتدار بلامنازع اردوغان است. در چارچوب جهان‌بینی اردوغان، قدرت‌های اروپایی، آمریکا و ناتو پشت‌پرده اصلی محاصره ژئوپلیتیکی و تهدیدات امنیتی علیه ترکیه هستند. تحت تأثیر تسری پیامدهای امنیتی جنگ سوریه به داخل ترکیه، جنگ با کردهای پ.ک.ک و شاخه‌های سوری آن، و همچنین کودتای نافرجام ۲۰۱۶، احساسات ملی‌گرایانه در ترکیه تشدید شده است که در آن ترکیه به‌عنوان قربانی نیات خصمانه غرب تصویرپردازی می‌شود. بر اساس نتایج نظرسنجی موسسه متروپل، به ترتیب ۸۳ درصد و ۷۳ درصد از ترک‌ها،

۱ Self-realization

۲ Self-determination

آمریکا و اتحادیه اروپا را تهدیدی علیه امنیت ملی ترکیه قلمداد می‌کنند. حدود ۵۵ درصد معتقدند که ترکیه با کاهش وابستگی به غرب باید صنایع دفاعی بومی خود را تقویت و نیازهای تسلیحاتی را بدون وابستگی به دیگران تأمین کند. ۴۶ درصد از ترک‌ها بر این اعتقاد هستند که ترکیه باید رفتار تقابلی با قدرت‌های متخاصم غربی داشته باشد در حالی که ۳۷ درصد بر لزوم مدیریت اختلافات و حفظ اتحاد با غرب تأکید کرده‌اند (Hoffman, et al, 2018).

در یک ارزیابی کلان، تغییرات انقلابی در ساختار نیروهای مسلح، بحران‌های اقتصادی، دستکاری سیاسی افکار عمومی برای پیروزی‌های انتخاباتی، شخصی‌شدن ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی، اقتدارگرایی دولت حاکم به‌ویژه بعد از کودتای جولای ۲۰۱۶ و تغییر نظام سیاسی از پارلمانی به ریاستی در سال ۲۰۱۸، بیش از پیش به روند مرزشکنی‌های رفتار سیاست خارجی ترکیه در اتحاد فرآتلاتنیک دامن زده است. توسل به رشد احساسات ضدآمریکایی و ملی‌گرایی ترکی از حربه‌های کارآمد دولت اردوغان برای موازنه‌سازی در برابر مخالفان داخلی و مواجهه با سیاست‌های براندازانه قدرت‌های غربی بوده است. در چارچوب یک ذهنیت توطئه، رئیس‌جمهور اردوغان و بسیاری از نخبگان فکری و اجرایی ترکیه دائماً از ایالات-متحده و اتحادیه اروپا به‌عنوان مهم‌ترین تهدیدات علیه منافع ملی ترکیه تصویرپردازی کرده‌اند و با انتقاد از سیاست‌های مداخله‌گرایانه آن‌ها در امور داخلی ترکیه این احساس را عمومی کرده‌اند که ترک‌ها هیچ دوستی جز ترک‌ها ندارند. روند تشدید احساسات ضدغربی در جامعه ترکیه به اندازه‌ای قدرت گرفته است که حتی در صورت تغییر حکومت، رهبران جدید با محدودیت‌های داخلی عدیده‌ای در بازتنظیم روابط با متحدان غربی مواجه خواهند شد.

#### - روند عادی‌سازی روابط خارجی با کشورهای منطقه

یکی از روندهای مهم سیاست خارجی اخیر ترکیه عادی‌سازی روابط با برخی از کشورهای مهم منطقه است که به‌صورت عملی با سفر اردوغان به امارات متحده عربی در بهمن‌ماه ۱۴۰۰ در دستورکار دستگاه دیپلماسی این کشور قرار گرفت. بعد از سال‌ها رقابت و تقابل در محیط متحول راهبردی مناطق پیرامونی، ترکیه در سال گذشته گام‌های عملی در عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی، اسرائیل، مصر و ارمنستان برداشته است. آنکارا همچنین از طریق کانال‌های غیررسمی دنبال احیای روابط خود با دولت دمشق بوده است. چنین روندی این سوال را پیش‌روی ما می‌گذارد که آیا وارد عصر جدیدی در سیاست خارجی منطقه‌ای ترکیه شده‌ایم؟ یک شعار غیررسمی میان اتاق فکر اردوغان اخیراً با عنوان «حلقه بدون مشکل»<sup>۱</sup> در مناطق پیرامونی شکل گرفته است (Kardas, 2023) که یادآور همان سیاست «مشکل صفر با همسایگان» احمد داووداغلو، وزیر خارجه و نخست‌وزیر سابق، است.

به تعبیری این سیاست بیش از آنکه نمودی از تحول در رفتار سیاست خارجی ترکیه باشد، کنشی هوشمندانه و عمل‌گرایانه در تأمین منافع ترکیه در چشم‌انداز متحول ژئوپلیتیکی مناطق پیرامونی است. اساساً ترکیه در سال‌های گذشته از تحولات محیط پیرامونی به‌ویژه در شرق مدیترانه و شمال آفریقا برداشت تهدید و احساس خفگی ژئوپلیتیکی می‌کرد. وضعیتی که دشمنان و رقبای آن هر روز بیشتر می‌شدند و دوستان و متحدان کمتر. بخشی از آن متأثر از ائتلاف‌های نوظهور رقیب (همچون ائتلاف دریایی اسرائیل، یونان، مصر با حمایت اروپا در شرق مدیترانه) بود و بخشی دیگر تحت تأثیر تهدیداتی بود که خود ترکیه با ابتکارات تهاجمی همچون دکترین «وطن آبی»<sup>۲</sup> امنیت سایر بازیگران منطقه ایجاد کرده بود. پیامدهای امنیتی و اقتصادی تشدید اختلافات ترکیه با همسایگان و همچنین تسری آن به روابط با اروپا و آمریکا باعث شد که رهبران دولت حاکم به دنبال بازنگری در روابط خود با محیط پیرامونی باشند تا از شکل‌گیری یک «صف‌بندی ضدترکی» در منطقه

<sup>۱</sup> Problem-free circle

<sup>۲</sup> Mavi Vatan

جلوگیری کنند. هرچند روند عادی‌سازی با هر یک از کشورهای منطقه متأثر از پیشران‌ها و نیت منحصربه‌فردی است اما در نگاهی کلان دستورکار عادی‌سازی روابط خارجی با کشورهای منطقه ریشه در ملاحظات و انگیزه‌های مرتبطی دارد.

نخست، هرچند توسل به ابزارهای نظامی و رویکردهای مداخله‌گرایانه سطحی از منافع راهبردی ترکیه در ژئوپلیتیک متحول مناطق پیرامونی را تأمین کرد اما «دیپلماسی اجبار» آنکارا به‌ویژه در مناطق مورد مناقشه با محدودیت‌های عدیده‌ای مواجه شده است. اساساً سیاست خارجی اردوغان در دهه گذشته لحن و اقدام قاطعانه‌ای آ دارد که آشکارا در سبک دیپلماسی اجباری<sup>۱</sup> و تمایل ترکیه به نمایش قدرت نظامی در ورای مرزهای ملی انعکاس پیدا کرده است؛ ترکیه در سال‌های اخیر با اتخاذ یک سیاست امنیتی فعال و عملیات‌های نظامی پیش‌دستانه در محیط پیرامونی خود -در صورت ضرورت حتی یک‌جانبه‌گرایانه و به بهای به مخاطره افتادن روابط خود با شرکای راهبردی- تصویر جدیدی از نقش ملی خود ارائه داده است. عملیات‌های بزرگ نظامی در سوریه و عراق از پاییز ۲۰۱۶ و نمایش قدرت نظامی از طریق تأسیس پایگاه‌های نظامی در قطر، سومالی، سودان و جیبوتی از نمودهای بارز ظهور چنین تفکراتی در سیاست خارجی ترکیه است. چنین تفکراتی منابع قدرت سخت و نرم منطقه‌گرایی ترکیه را به‌طور فزاینده‌ای تحلیل برده است و لاجرم آنکارا را به سمت همزیستی با بازیگران رقیب سوق داده است.

دوم، تحول در نقش سنتی قدرت‌های بزرگ غربی به‌ویژه ایالات متحده و کاهش تعهدات آن در شکل‌دهی به ترتیبات امنیتی منطقه ژئوپلیتیکی نوینی از رقابت قدرت‌های منطقه‌ای را پدید آورده است. هرچند قدرت‌های بالقوه منطقه‌ای همچون ترکیه، عربستان سعودی و ایران تلاش کردند تا ترتیبات نوظهور منطقه‌ای را بر اساس الگوهای مادی و هنجاری خود شکل دهند اما در نهایت به این نتیجه رسیدند که تبدیل شدن به هژمونی منطقه‌ای «دامگه‌ای»<sup>۲</sup> بیش نیست (Mousavi Shafae and Golmohammadi, 2022) و به تدریج به سمت به رسمیت شناختن قلمرو نفوذ و منافع یکدیگر حرکت کردند تا اصطکاک منافع کمی داشته باشند. این روند بعد از خروج مفتضحانه آمریکا از افغانستان و متعاقب آن جنگ اوکراین شدت گرفت. از این رو، ترک‌ها همچون سایر بازیگران منطقه‌ای به این نتیجه رسیدند که همزیستی امنیتی و کاهش تنش با رقبای یک‌الزام راهبردی در شرایط کنونی است تا از برخوردهای سخت با یکدیگر جلوگیری کنند.

سوم، ابزارسازی از سیاست خارجی به‌عنوان ابزار کارآمد در کمپین‌های انتخاباتی یکی از مشخصه‌های سیاست‌ورزی رئیس-جمهور اردوغان در جذب آرای شهروندان ترکیه است. در آستانه انتخابات ژوئن ۲۰۲۳، بحران اقتصادی از مسائل کلیدی سیاست داخلی ترکیه است که به نحوی دستورکارهای اصلی سیاست خارجی و اولویت‌های روابط خارجی این کشور را در سال پیش‌رو تعیین می‌کند. اگر اردوغان به دنبال انتخاب مجدد است، باید به رأی‌دهندگان ترک این اطمینان را بدهد که در آینده نزدیک شاخص‌های اقتصادی این کشور را ترمیم می‌کند. اقتصاد بحرانی ترکیه اکنون نیاز به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و همچنین توسعه بازارهای صادراتی دارد. کشورهای عربی خلیج فارس به‌ویژه امارات متحده عربی، عربستان سعودی و قطر در اولویت جذب سرمایه و توسعه روابط تجاری آنکارا قرار دارند. در این میان، عادی‌سازی روابط با اسرائیل و مصر نیز تا حدودی می‌تواند فشارهای اقتصادی غرب بر ترکیه را کاهش دهد. عادی‌سازی روابط با دمشق نیز تحت تاثیر دو مسئله کلیدی دیگر یعنی بحران پناهنجویان و تروریسم کردی است که بنا بر دلایل ملاحظات سیاست داخلی و امنیت ملی دورنمای پیچیده‌ای دارد.

۱ Coercive diplomacy  
 ۲ Assertive,  
 ۳ Coercive Diplomacy

با وجود تلاش‌های دیپلماتیک ترکیه در عادی‌سازی روابط خارجی با کشورهای منطقه به‌ویژه رقبای منطقه‌ای باید در روایی و پایداری چنین روندی محتاط باشیم. بدون تردید ترکیه از دستاوردهای منطقه‌گرایی فعال خود در یک دهه گذشته عقب‌نشینی نخواهد کرد و ابتکارات کنونی بیش از آنکه نمود یک چرخش در سیاست منطقه‌ای ترکیه باشد، بیشتر ناظر بر بازتنظیم اولویت‌ها و تطبیق سیاست خارجی با واقعیت‌های نیازهای داخلی دولت اردوغان است. تفکری که بیش از همه متأثر از منطق «رنال‌پالیتیک» در سیاست خارجی ترکیه است. پر واضح است که در صورت به قدرت رسیدن احزاب مخالف، رهبران جدید از قلمرو نفوذ و منافع ترکیه در مناطق پیرامونی عقب‌نشینی نخواهند کرد.

### دورنمای تغییر و تداوم در سیاست خارجی پسارردوغان

سؤال کلیدی این است که اگر اردوغان انتخابات ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۲ را واگذار کند و نامزد اپوزیسیون به حکومت برسد آیا تحولی در سیاست خارجی ترکیه رخ خواهد داد؟ واقعیت این است که در کوتاه‌مدت انقلابی در روندها و راهبردهای سیاست خارجی ترکیه اتفاق نمی‌افتد اما ریل‌گذاری سیاست خارجی در میان‌مدت به تدریج متحول خواهد شد. اساساً سنت دولت‌مندی در ترکیه به اندازه‌ای قوی و متمرکز است که آمد و شد دولت‌ها تغییر اساسی در راهبردهای سیاست خارجی آن ایجاد نمی‌کند و در صورت تغییر حکومت، دولت جدید از دستاوردهای دولت قبلی عقب‌نشینی نخواهد کرد. تحت تأثیر احساسات فراگیر ملی‌گرایانه ترک‌ها، تغییر جهت‌گیری در سیاست خارجی به‌ویژه در حوزه‌های امنیت ملی امری دشوار است. پیش‌بینی می‌شود در پرونده‌های سوریه و عراق (مسئله کردهای منسوب به پ.ک.ک، بحران پناهجویان و نفوذ رقبای در این کشورها) یونان و قبرس، روسیه و اوکراین، تحول معناداری اتفاق نیافتد.

با وجود این، بدون تردید در سیاست‌هایی که منبعث از ترجیحات شخصی اردوغان و حزب عدالت و توسعه است و اجماع فراگیر ملی بر تداوم آن‌ها وجود ندارد، تغییراتی به وجود خواهد آمد. این تغییرات احتمالاً شامل چنین مواردی خواهد بود؛ احیای همکاری‌های نهادی با سازمان‌های پولی و مالی جهانی به منظور اتخاذ تصمیمات کارآمد در بانک مرکزی ترکیه برای مقابله با مشکلات بحران اقتصادی این کشور؛ احیای روابط نهادی با اتحادیه اروپا و همچنین سازمان‌های تابعه این اتحادیه در راستای بهبود شاخص‌های حقوق بشری، دموکراسی و حاکمیت قانون؛ کاهش معنادار حمایت ترکیه از گروه‌ها و جنبش‌های اسلام‌گرای سنی از جمله حماس، جریان‌های اخوان‌المسلمین مصر و گروه‌های معارضه سوری؛ احیای روابط با ایالات متحده آمریکا و همچنین تلاش برای بازیابی جایگاه سنتی ترکیه در ناتو. در صورت پیروزی ائتلاف مخالف، نهادمندی (روند تصمیم‌گیری به صورت نهادی نه شخصی) سیاست خارجی ترکیه به تدریج تقویت خواهد شد اما با توجه به تعدد و تشتت آرای ائتلاف اپوزیسیون در امور خارجه، روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی این کشور کندتر و محتاط‌تر خواهد شد. واقعیت این است که ائتلاف مخالف هیچ‌ویژن قابل‌اعتنایی در مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی خود ارائه نداده است. در حالی که یکی از نقاط قوت دولت اردوغان در دو دهه اقتدار، دستاوردهای سیاست خارجی فعال، منافع‌محور و مسئله-محور او بوده است.

نامزدهای ریاست‌جمهوری اپوزیسیون با توجه به در اختیار داشتن حمایت اروپا و آمریکا در انتخابات پیش‌رو، بیشتر دارای گرایش‌های ملی‌گرایانه و اروپاگرایانه هستند و در صورت پیروزی در انتخابات ۲۰۲۳، نگاه تقابلی با ایران ناگزیر در سیاست خارجی ترکیه تا سطح قابل‌مدیریتی افزایش خواهد یافت. اساس چنین تحولی، تغییر در سیاست موازنه‌گری سنتی ترکیه به‌ویژه اردوغان است که تلاش می‌کرد در روابط با ایران و غرب سطحی از استقلال عمل و موازنه‌گری را حفظ کند. ائتلاف اپوزیسیون چنین نگرشی را نه ارائه داده و نه تجربه چنین رویکردی را داشته است. از نگاه آن‌ها گام کلیدی در عبور ترکیه از بحران اقتصادی نزدیکی به اروپا و آمریکا و جلب حمایت‌های مالی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آن‌ها است. با رفتن اردوغان، ترکیه دیگر بازیگر مستقل نخواهد بود و پای بازیگرانی مانند اسرائیل بیش از پیش در ترکیه و مناطق پیرامونی، باز

خواهد شد. در پرونده‌های مانند سوریه، کردها، عراق و مسائل جنوب قفقاز با سیاست‌های ایران زاویه دارند و در صورت در اختیار گرفتن دولت، احتمال افزایش واگرایی و چالش‌ها در مناسبات تهران-آنکارا وجود دارد.

نگاهی کلان به چشم‌انداز رقابت ژئوپلیتیکی بین ایران و ترکیه نشان می‌دهد که هرچند دو کشور توانسته‌اند تا سطحی برخورد‌های خود در خاورمیانه به‌ویژه عراق و سوریه را مدیریت کنند اما قفقاز جنوبی در حال تبدیل شدن به ژئوپلیتیک جدید مناقشه بین تهران و آنکارا است. چه اردوغان باشد چه نباشد این روند در حال نضح گرفتن است. با تغییرات پارادایمیک در نگاه بازیگران کلیدی به تحولات قفقاز جنوبی، قره‌باغ از سال ۲۰۲۰ به کانون سیاست مهار و پیشبرد امیال ژئوپلیتیکی ناتو و غرب در مواجهه با چین، روسیه و ایران تبدیل شده که ترکیه در آن نقش مهمی را بر عهده گرفته است. از منظر غرب، روسیه، چین و ایران سه دشمن اصلی ناتو هستند و ائتلاف آن‌ها به معنای ایجاد نظم نوین منطقه‌ای علیه غرب است. از آنجا که منطقه قفقاز و آسیای مرکزی به‌عنوان هارتلند زمین، تنها منطقه‌ای است که میان این سه قدرت تجدیدنظرطلب مشترک است، بنابراین مستعدترین کانون جغرافیایی برای ضربه زدن به ایران، روسیه و چین محسوب می‌شود و موتور محرکه این کانون ایجاد طرح‌های نفوذ درون‌منطقه‌ای و نقش‌آفرینی فعال ترکیه است. در یک نگاه کلان، بازیگران غربی به دنبال ایجاد یک «کمر بند شکسته» ژئوپلیتیکی در اوراسیای مرکزی از مرزهای غربی چین تا دریای سیاه هستند تا سیاست مهار کارآمدی در مقابل رقبای نوظهور شرقی داشته باشند. جنگ اوکراین بیش از پیش به چنین روندی دامن زده است. سیاست منطقه‌ای تهران در قبال جنگ دوم قره‌باغ و حوادث پس از آن حکایت از یک جاماندگی راهبردی در جنوب قفقاز دارد و جمهوری اسلامی تا کنون نتوانسته است منافع و امنیت ملی خود را در جریان تحولات قفقاز جنوبی تأمین نماید (گل محمدی و عزیزی، ۱۴۰۱). ایران باید نگاه ویژه و بلندمدتی به معادلات در حال تغییر جنوب قفقاز داشته باشد و عزم پاسخ متقابل دیپلماتیک-نظامی خود را به منظور ایجاد بازدارندگی کارآمد نشان دهد.

### فهرست منابع

#### منابع فارسی

۱- گل محمدی، ولی (۱۴۰۰)، در جستجوی استقلال استراتژیک؛ سیاست خارجی ترکیه در عصر گذار نظام بین‌الملل، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر.

#### منابع غیرفارسی

- ۱- Alderman, Liz (2023), "Turkey's Reeling Economy Is an Added Challenge for Erdogan", *New York Times*, February 22, accessed at: <https://www.nytimes.com/2023/02/19/business/turkey-earthquake-economy-erdogan.html>
- ۲- Erdoğan, Recep Tayyip, (۲۰۱۶), The Turkish President's exclusive publication in the global times: the strategic cooperation between Turkey and China contributes to the world. *Global Times*, September 2.
- ۳- Erşen, Emre & Seçkin Köstem. (۲۰۱۹), *Turkey's Pivot to Eurasia; Geopolitics and Foreign Policy in a Changing World Order*, Routledge.
- ۴- Erşen, Emre, (۲۰۱۹). The return of Eurasianism in Turkey Relations with Russia and beyond, in *Turkey's Pivot to Eurasia*, Routledge, 31-49.
- ۵- Global Firepower, (۲۰۲۲), "World Military Strength Rankings": <https://www.globalfirepower.com/>
- ۶- Golmohammadi, V., & Azizi, H. (2022). The South Caucasus in the Regionalism of Iran's Foreign Policy. *Central Eurasia Studies*, 15(1), 305-281. doi: 10.22059/jcep.2022.345811.450084
- ۷- Haugom, Lars, (۲۰۱۹), Turkish foreign policy under Erdogan: A change in international orientation? *Comparative Strategy*, 38:3, 206-223.
- ۸- Hoffman, Max, Michael Werz, and John Halpin. (۲۰۱۸). "Turkey's 'New Nationalism' Amid Shifting Politics." Center for American Progress, February 11.

- ۹- Kadir Has University Annual FP survey, (۲۰۱۹), the US is the biggest threat with the percentage of 66, 5. For more information about the survey: <http://www.khas.edu.tr/news/1588>.
- ۱۰- Kardaş, Şaban (2022), "The normalization agenda in Turkish foreign policy: drivers and parameters", TRENDS Research & Advisory, Alarabia, 23 Feb 2022, accessed at: <https://trendsresearch.org/insight/the-normalization-agenda-in-turkish-foreign-policy-drivers-and-parameters/>
- ۱۱- Malsin, Jared (2023), "Earthquakes Weigh on Turkey's Already Struggling Economy", The Wall Street Journal, February 17, accessed at: <https://www.wsj.com/articles/earthquakes-weigh-on-turkeys-already-struggling-economy-b9477e9e>
- ۱۲- Mousavi Shafae, SM, Golmohammadi, V. (2022). The Regional-Supremacy Trap: Disorder in the Middle East. Middle East Policy. 2022; 29: 61– 73. <https://doi.org/10.1111/mepo.12621>
- ۱۳- SIPRI, (۲۰۲۰), "Measuring Turkish Military Expenditure", National reports: Turkey, Stockholm International Peace Research Institute(SIPRI), March 2019: <https://www.sipri.org/databases/national-reports/Turkey>
- ۱۴- Tanrisever, Oktay, (۲۰۱۸). Discourses and Politics of Eurasianism in Turkey During the 2000s, in Turkey: Towards a Eurasian Shift, ISPI, 13-34.